**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**تلاش در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها**

**محمد حسن زنگوئی**

# ایجاد انگیزه

**همسر پیرمردی فقیر، از او خواست شانه‌ای برایش بخرد تا موهایش را سروسامانی دهد. پیرمرد با شرمندگی گفت: نمی‌توانم بخرم، حتی بند ساعتم پاره شده و در توانم نیست بند جدیدی بخرم.**

**پیرزن لبخندی زد و سکوت کرد. پیرمرد فردای آن روز ساعتش را فروخت و شانه‌ای برای همسرش خرید.**

**وقتی به خانه بازگشت، با تعجب دید که همسرش موهایش را کوتاه کرده و بند ساعت نو برای او گرفته است.**

**اشک‌ریزان همدیگر را نگاه می‌کردند. اشک‌هایشان برای این نبود که کارشان هدررفته بود، بلکه برای این بود که همدیگر را به یک اندازه دوست داشتند و هرکدام به دنبال خشنودی دیگری بود. به یاد داشته باشیم عشق و محبت به حرف نیست، باید به آن عمل کرد ایثار کرد و از سختی‌ها گذشت.**

**زندگی بزرگان مملو از این مهر و محبت همسران است نمونه این خانواده پرمهر خانواده علامه طباطبایی است:**

**در روزهایی که علامه در سوگ همسرش محزون و متأثر بود و اشک فراوانی از دیدگان بر گونه‌ها جاری می‌ساخت، یکی از شاگردانش سبب این‌همه آشفتگی و ناراحتی علامه را از این بابت جویا شده بود،‌ استاد به این شاگرد پاسخ داده بود: «مرگ حق است، همه باید بمیریم، من برای مرگ همسرم گریه نمی‌کنم، گریه من از صفا و کدبانوگری و محبت‌های خانم است، من زندگی پرفرازونشیبی داشته‌ام، در نجف اشرف با سختی‌هایی مواجه می‌شدم، من از حوائج زندگی و چگونگی اداره آن بی‌اطلاع بودم، اداره زندگی به عهده خانم بود.**

**در طول مدت زندگی ما، هیچ‌گاه نشد که خانم کاری بکند که من حداقل در دلم بگویم، کاش این کار را نمی‌کرد یا کاری را ترک کند که من بگویم کاش این عمل را انجام داده بود. در تمام دوران زندگی هیچ‌گاه به من نگفت چرا فلان عمل را انجام دادی؟ یا چرا ترک کردی؟ مثلاً شما می‌دانید کار من در منزل است و همیشه مشغول نوشتن یا مطالعه هستم،‌ معلوم است خسته می‌شوم و احتیاج به استراحت و تجدید نیرو دارم، خانم به این موضوع توجه داشت،‌ سماور ما همیشه روشن بود و هر ساعت یک فنجان چای می‌ریخت و می‌آورد در اتاق کار من می‌گذاشت و دوباره دنبال کارش می‌رفت تا ساعت دیگر... من این‌همه محبت و صفا را چگونه می‌توانم فراموش کنم».[[1]](#footnote-1)**

# متن و محتوا

## کار در خانه

**یکی از عوامل تکامل خانواده‌ها، که سبب شادی و نشاط واقعی در منزل می‌شود تلاش و ایثار برای یکدیگر است. اما قدم اول دررسیدن به تکامل تعیین حدود و مسئولیت‌هاست اینکه زن و مرد، کارهایی را که با ویژگی‌های جسمی و روحی آنان هماهنگ است به عهده گیرند و از کارهایی که بااستعداد و توانمندی‌شان ناهماهنگ است، پرهیز نمایند. پس‌ازاین که حد و حدود تعریف شد ایثار و تلاش در مسیر خود معنای درست پیداکرده وزندگی را به تکامل نزدیک می‌کند چه‌بسا تلاش‌هایی که زندگی مشترک رخ می‌دهد اما چون در غیر مسئولیت است سبب جا ماندن از وظایف اصلی شده و خانواده افتان‌وخیزان به جلو می‌رود. همچنان که بسیاری از بانوان در بیرون منزل در شغل خود گماشته‌اند که به‌شدت در حال کار و تلاش‌اند اما این تلاش بیرون خانه گاهی آنان را از وظایف اصلی خود که امور تربیتی نسبت به فرزندان است باز می‌داد قطعاً تلاش آنان در بیرون از منزل مصداق تلاش در غیر جایگاه و وظیفه خود است.**

#### تقسیم‌کار در منزل

##### تقسیم‌کار با علی علیه‌السلام

**دراین‌باره بهترین الگو، زندگی حضرت علی علیه‌السلام و فاطمه زهرا علیهاالسلام می‌باشد. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «حضرت فاطمه علیهاالسلام کارهای منزل را این‌گونه با حضرت علی علیه‌السلام تقسیم کرد: خمیر کردن آرد، نان پختن، تمیز کردن و جارو زدن خانه، به عهده فاطمه باشد و کارهای بیرون خانه، مانند: جمع‌آوری هیزم و تهیه مواد اولیه غذایی به عهده علی علیه‌السلام باشد. که این تقسیم‌کار، با رهنمود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله انجام گرفت. آنگاه‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کارهای داخل خانه را فاطمه علیهاالسلام و کارهای بیرون منزل را علی علیه‌السلام انجام دهد، حضرت زهرا علیهاالسلام با خوشحالی فرمود: «فَلا یَعْلَمُ ما داخَلَنِی مِنَ السُّرُورِ اِلاَّ اللّهُ بِاِکْفائِی رسول‌الله تَحَمُّلَ رِقابِ الرِّجالِ[[2]](#footnote-2)؛ جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم‌کار تا چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت.»**

##### **تقسیم‌کار با فضه**

**حضرت زهرا علیهاالسلام مانند دیگر زنان جامعه کار می‌کرد، گندم را با آسیاب دستی آرد کرده، نان می‌پخت، کار روزانه را انجام می‌داد. تا آنجا که دست‌های مبارکش زخمی شد خود حضرت زهرا می‌فرمایند: «قد مَجِلَتْ یَدایَ مِنَ الرَّحی، لَیْلَتی جَمیعاً اُدیرُ الرّحی حَتّی أصْبَحَ وَ اَبُوالْحَسَن یَحْمِلُ حَسَناً و حُسَیْناً؛[[3]](#footnote-3)هر دودستم در اثر آرد کردن با آسیاب دستی زخم شده است، دیشب تا به صبح آسیاب می‌کردند و ابوالحسن، حسن و حسین را به دوش داشت.» درعین‌حال، کارهای خانه آن‌قدر زیاد و طاقت‌فرسا بود که خدمتکاری به نام فضه گرفتند و به‌طور مساوی کارهای منزل را با وی تقسیم کردند.**

**سلمان می‌گوید: روزی دیدم باز فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیه خود آسیاب می‌کند، عرضه داشتم: چرا خود را به‌زحمت می‌اندازید درحالی‌که فضه در کنار شماست؟ حضرت فرمود: «اَوْصانی رسول‌الله اَنْ تَکُونَ الْخِدْمَةٌ لَها یَوْماً وَلِیَ یَوماً فَکان اَمْس یَوْم خِدْمَتِها وَالْیَومُ یَومُ خِدْمَتی؛[[4]](#footnote-4)پیامبر خدا به من توصیه فرمود که کارهای خانه را با وی تقسیم کنم: یک روز برای او یک روز برای من. دیروز روز خدمت وی بود و امروز روز خدمت من است.»**

**مقام معظم رهبری درباره اهمیت کار زن در منزل می‌فرماید: «وظایف داخل خانه زنان، نه اهمیّتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه اینکه زحمتش کمتر است. خیلی کار پرزحمتی است، خیلی کار ظریفی است. برخی فکر می‌کنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کارخانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست؛ بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سرپا نگه دارد.»**

**حضرت زهرا علیهاالسلام چنان به همسر گرامی خود علاقه‌مند بود و با آن حضرت همدلی داشت که بعد از وقایع تلخ ماجرای سقیفه و فدک که دل زهرا علیهاالسلام را شکستند و به خانه‌اش حمله کردند، آنگاه‌که حضرت علی علیه‌السلام وارد منزل شد و فرمود: «فاطمه جان، آن دو نفر در پشت در اجازه ملاقات می‌خواهند؟ نظرت دراین‌باره چیست؟ حضرت باآن‌همه خون‌دلی که خورده بود، باکمال تواضع فرمود: «الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَ الْحُرَّةُ زَوْجَتُکَ افْعَلْ مَا تَشَاءُ؛[[5]](#footnote-5) علی جان، خانه خانه توست و من همسر تو هستم؛ هر آنچه می‌خواهی انجام بده.»**

## زندگی سخت سیده زنان عالم

**زندگی حضرت زهرا سلام‌الله علیها علیرغم اینکه فرزند رسول خدا بود اما سختی‌های خاص خود را داشت این سختی‌ها در مدت عمر کوتاه حضرت زهرا سلام‌الله علیها ادامه داشت اما روحیه شکرگزاری در ایشان همیشگی و تا آخرین لحظات ایشان را از وظایفشان بازنداشت. تا جایی که در واپسین روزهای زندگی بچه‌ها را نظافت نموده و امور مربوط به خانه را شخصاً پیگیری می‌نمود. همین ایثار و وفاداری به وظایف است که پس از شهادت حضرت سلام‌الله علیها، امیرالمؤمنین در رثای همسر خود فرمود: بِمَنِ العَزاءُ یا بِنتَ مُحمَد؟ کُنتُ بِکِ اَتَعزی فَفیمَ العَزاء مِن بَعدِکِ؟[[6]](#footnote-6)؛ با چه کسی آرامش یابم ای دختر محمد؟ من به‌وسیله تو تسکین می‌یافتم؛ بعد از تو با چه کسی آرامش یابم؟**

**امیرالمؤمنین درباره دنیا می‌فرمایند: دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَ بِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ؛ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَ لَا یسْلَمُ نُزَّالُهَا؛ أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ تَارَاتٌ مُتَصَرِّفَةٌ؛ الْعَیشُ فی‌ها مَذْمُومٌ وَ الْأَمَانُ مِنْهَا مَعْدُومٌ؛ وَ إِنَّمَا أَهْلُهَا فی‌ها أَغْرَاضٌ مُسْتَهْدَفَةٌ، تَرْمِیهِمْ بِسِهَامِهَا وَ تُفْنِیهِمْ بِحِمَامِهَا؛[[7]](#footnote-7) دنیا خانه‌ای است پیچیده به بلا، و معروف به خیانت. احوالش پایدار نمی‌ماند، و اهلش جان سالم به درنبرند. حالاتی است گوناگون، و نوبت‌هایی است متغیر. زندگی در آن ناپسند است، و امنیت در آن نایاب. مردمش آماج تیر بلایند، که تیرهایش به‌سوی آنان نشانه می‌رود، و با مرگ نابودشان می‌کند.»**

**بیان این سختی‌ها ازآن‌جهت حائض اهمیت است که اولاً زنان ما بدانند به‌صرف ایمان قرار نیست زندگی دنیای ما بهشت روی زمین گردد بلکه مشکلات همواره وجود دارد و شاید شرایط بدتر از دیگران باشد و ثانیاً روحیه شکرگزاری، صبر بر سختی‌های زندگی و اطلاعت پذیری از مدیر زندگی به تبعیت از حضرت زهرا تقویت گردد. چراکه بسیاری از طلاق‌ها به‌واسطه توقع بالا از زندگی و سختی‌های زندگی اتفاق می‌افتند که با تقویت روحیه قناعت و صبر در مشکلات قابل‌حل است.**

**از طرفی به یاد داشته باشیم دین‌داری مصائبی به همراه دارد گله کردن از اینکه فلان خانواده افراد لاابالی هستند و وضع زندگی‌شان بهتر از ماست چرا باید این‌گونه باشد؟، ناشی از همین تفکر اشتباه است که به‌صرف دین‌داری وضع زندگی باید بهترین وضع و هیچ مصیبتی به زندگی نرسد و حال‌آنکه بلا در دنیاگرد خانه مؤمنین بیشتر می‌گردد و این‌یک اصل است که ساری و جاری است از همین جهت مصائب بعد انقلاب گاهی با بعد انقلاب قابل‌مقایسه نیست چراکه انقلاب داعیه اسلام دارد و مصائبش بیشتر است.**

## الف - یتیمی

**حضرت زهرا در کودکی مادر را از دست داد، رنج دوری مادر برای ایشان بسی دردناک و غمبار بود پس‌ازآنکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از سفر حجة الوداع بازگشتند، دچار بیماری سختی شدند که خبر از وفات قریب‌الوقوع ایشان می‌داد. مطابق با روایات موقعی که وفات پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نزدیک گردید آن حضرت به‌قدری گریست که محاسن مبارکش تَر شد. گفته شد: یا رسول‌الله! چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: برای ذریّه و فرزندانم و آن ستم‌هایی که از ستمکاران امّتم بعد از من به ایشان می‌رسد، می‌گریم. گویا می‌بینم دخترم فاطمه زهرا بعد از من مظلوم واقع‌شده، هر چه صدا می‌زند: یا اَبَتاه! احدی از امّت من به فریاد او نمی‌رسد. وقتی فاطمه اطهر سلام‌اللَّه‌علیها این مطلب را شنید، گریان شد. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به وی فرمود: ای دختر عزیزم! گریان مباش! حضرت فاطمه سلام‌اللَّه‌علیها عرض کرد: پدر جان! من برای ظلم‌هایی که بعد از تو خواهم دید گریه نمی‌کنم، بلکه به علّت مفارقت تو اشک می‌ریزم. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای دختر محمّد! مژده باد تو را! زیرا تو اوّلین کسی هستی که زودتر از همه در میان اهل‌بیتم به من ملحق خواهی شد.[[8]](#footnote-8)**

**امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرماید: فاطمه زهرا به‌قدری برای پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله گریه کرد که اهل مدینه متأذی شدند و به وی گفتند: تو ما را به علت کثرت گریه ناراحت کردی، یا شب گریه کن یا روز! لذا فاطمه سلام‌اللَّه‌علیها از مدینه خارج می‌شد و روی قبر شهدا گریه می‌کرد.[[9]](#footnote-9)**

## ب- سختی‌های مربوط به خانه‌داری:

**روزی از روزها حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد به انتظار بلال به سر می‌بردند که بیاید و اذان بگوید. بلال با اندکی تأخیر به مسجد آمد. حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: چرا دیر کردی؟**

**عرض کرد: هنگام آمدن به مسجد خدمت حضرت فاطمه علیهاالسلام رفتم، او مشغول آرد کردن بود و فرزندش حضرت حسن علیه‌السلام نزد آسیاب روی زمین قرار داشت. گفتم: یا فاطمه علیهاالسلام! کدام‌یک از پیشنهادهای مرا قبول داری؟ یا من بچه را نگاه‌دارم و شما آسیاب کنید و یا برعکس.**

**فرمود: من به فرزند مهربان‌ترم و بهتر می‌توانم کار بچه‌داری را انجام دهم. آنگاه آسیاب را گرفتم و آرد کردم؛ و این بود علت تأخیر من.**

**با توضیح فوق معلوم می‌شود زندگی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها زندگی ساده‌ای نبود. هم فرزندان نیاز به مراقبت دارند و هم همسری که در میدان‌های نبرد در حال تلاش است نیاز به حمایت و مراقبت دارد. از طرفی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها سیده زنان اهل عالم است و کسی از زنان به شرافت و بزرگی او نیست اما باوجود چنان فضایلی و چنین موقعیتی باز حضرت از تلاش در خانه دست نمی‌کشد.**

**این بهترین الگو برای ایفای نقش مادر و توجه به نیاز عاطفی فرزند و انتخاب صحیح در تخصیص و بهینه‌سازی اقتصادی است؛ چراکه با این کار حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها توجه به رضایت خاطر و مطلوبیت فرزند شیرخوارش را بر ادامه کار منزل ترجیح داد که نتیجه این تلاش‌ها، پرورش منابع و سرمایه‌های انسانی است؛ آن‌گونه که همین فرزندان در جهت برقراری عدل و داد و عدالت اجتماعی و اقتصادی و ... از تربیت و تعلیم کامل بهره‌مند شدند و جامعه را نیز رهبری نمودند.**

**یادآور می‌شویم که تقسیم‌کار به این معنا نیست که فعالیت زن منحصر در خانه است، بلکه زن می‌تواند با توجه به مدیریت و سازمان‌دهی صحیح در امور خانواده و با محاسبه مطلوبیت حاصل از اشتغال همچون؛ خستگی ناشی از کار در منزل و بیرون از منزل، مخارج و ... علاوه بر بالا بردن سطح فعالیت‌های اجتماع در زمینه‌های مختلف به بودجه خانوار نیز کمک نماید.**

**آن وظیفه که زن نباید از آن دست بکشد و تمام فعالیت‌های زن باید تحت‌الشعاع آن قرار گیرد خانه‌داری است که اعم از شوهرداری و فرزند پروری است.**

## ج- خانه استیجاری

**حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا سلام‌اللَّه‌علیها دارای خانه مسکونی نبودند، ازاین‌رو حضرت علی علیه‌السلام ابتدا محل سکونت همسرش را در اتاقی که یکی از انصار در اختیارش نهاده بود و خود نیز پس از هجرت در آن ساکن بود قرارداد. پس از مدتی دو زوج جوان به خانه حارثه بن نعمان که در محله بنی نجار قرار داشت و به خانه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نزدیک بود منتقل شدند تا اینکه حجره‌ای در کنار حجره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای آنان ساخته شد و تا پایان زندگی خانوادگی‌شان در آنجا ساکن بودند. وضعیت ساختمانی این خانه که در اختیار حضرت علی علیه‌السلام و حضرت زهرا سلام‌اللَّه‌علیها قرار گرفت خانه مسکونی مجللی نبود، بلکه اتاقی گلین بود که سقف آن را با چوب خرما و حصیر پوشانده و آن را گل‌اندود کرده بودند. فاصله سقف آن از کف به‌اندازه‌ای بود که دست به‌راحتی به سقف می‌رسید. آری این بود کلبه حضرت زهرا سلام‌اللَّه‌علیها که از صفایش تور خدا جلوه‌گر بود. خداوند در قرآن پیرامون معنویت و فضیلت ایشان فرموده: یعنی در خانه‌هایی (چون خانه انبیاء) خدا رخصت داده که آنجا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تقدیس ذات پاک او کنند. وقتی این آیه نازل شد، ابوبکر از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسید: آیا خانه حضرت فاطمه و حضرت علی علیه‌السلام از این خانه‌هاست؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: بله، خانه آنان از بافضیلت‌ترین این خانه‌هاست.[[10]](#footnote-10)**

## د- پرستاری بیمار

**یکی از میدان‌های حضور حضرت زهرا سلام‌اللَّه‌علیها غزوه احد است. جایی که در آن بیش از هفتاد نفر از مسلمانان راستین ازجمله حضرت حمزه سید الشهداء علیه‌السلام به شهادت رسیدند. همچنین در این نبرد پیشانی مقدس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شکافته شد و دندان مبارک ایشان شکست. پیکر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که تنها مدافع رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در این نبرد بود، نیز سراسر پرزخم و خون بود. زمانی که آتش جنگ فروکش کرد حضرت زهرا سلام‌اللَّه‌علیها به همراه سایر زنان بنی‌هاشم و مسلمان به کمک مجروحان آمدند. در روایات تاریخی آمده است که:**

**هنگامی‌که حضرت زهرا سلام‌اللَّه‌علیها چهره پر از خون پدر را مشاهده کردند، خون‌ها را از رخسار پدر، پاک نمودند درحالی‌که امیر مؤمنان علیه‌السلام با سپر خویش آب می‌ریختند و فاطمه سلام‌اللَّه‌علیها را یاری می‌کردند. آن حضرت چون دید جریان آب و شستشو، خونریزی را بیشتر می‌کند به همین جهت در پی چاره‌اندیشی خویش تکه حصیری آورد و آن را با شرایط خاصی سوزانید و خاکسترش را بر روی زخم‌ها نهاد تا خون بازایستد و چنین شد که خون بند آمد.[[11]](#footnote-11)**

**همچنین در تاریخ نقل‌شده است که حضرت فاطمه سلام‌اللَّه‌علیها در غزوه احزاب برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نان و غذا می‌برد[[12]](#footnote-12) و در فتح مکه نیز حضورداشته و به پدر و همسرش کمک می‌کرد.[[13]](#footnote-13) امیرالمؤمنین یک مرد جنگی بود و بعد از هر جنگ بدون زخم به منزل برنمی‌گشت و تنها پرستار زخم‌های علی علیه‌السلام همسرش زهرا بود.**

## هـ - تهی‌دستی

**از روایات و گزارش‌های تاریخی مشخص می‌گردد که زندگی این زوج با سختی و البته صبر ایشان در برابر این سختی‌ها همراه بوده است. به‌عنوان نمونه روایت‌شده است که علی علیه‌السلام دچار تهی‌دستی شدیدی شد. حضرت فاطمه علیها السّلام برای این موضوع به حضور رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مشرّف شد. هنگامی‌که دقّ الباب نمود، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: من احساس می‌کنم که حبیبه‌ام پشت در باشد، ای امّ ایمن برخیز ببین کیست؟**

**وقتی امّ ایمن در را باز کرد و فاطمه زهرا داخل شد، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به وی فرمود: زمانی نزد ما آمدی که هیچ‌وقت نمی‌آمدی؟! گفت: یا رسول‌الله! غذای ملائکه نزد خدای ما چیست؟ فرمود: گفتن الحمدالله. گفت: غذای ما چیست؟ فرمود: سوگند به حقّ آن خدایی که جان من در دست قدرت اوست مدت یک ماه است که آتش در خانه ما روشن نشده (یعنی غذای پختنی نخورده‌ایم) ولی من آن پنج‌کلمه‌ای را به تو یاد می‌دهم که جبرئیل به من تعلیم داده است.**

**گفت: کدام پنج کلمه یا رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله؟**

**فرمود: بگو: یا رب الاولین و الآخرین، یا ذو القوة المتین، و یا راحم المساکین، و یا ارحم الراحمین.**

**فاطمه پس از شنیدن این کلمات مراجعت نمود، وقتی چشم حضرت امیر علیه‌السلام به وی افتاد، گفت: پدر و مادرم به فدایت چه خبر آوردی؟**

**گفت: من به‌منظور کار دنیا رفتم، ولی با توشه‌ای اخروی بازگشتم.**

**علی علیه‌السلام دومرتبه فرمود: برایت خیر باشد. [[14]](#footnote-14)**

## و- فرزند آوری

**فرزند و تربیت فرزند اگرچه در روایات اسلامی بسیار تکریم شده است اما این بزرگداشت‌ها منافی زحمت و سختی فرزند آوری و تربیت فرزند نیست. اصلاً اگر این سختی و مشکلات نداشت که این‌همه اجر نداشت و اگر بنا باشد بهشت را به بها بدهند، بها بهشت فرزند آوری همان زحمت‌ها و مشکلاتش است.**

**حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها نیز باآنکه در سن پایین ازدواج کرد بلافاصله حامله گردید و فرزندانی تربیت کرد که اشرف فرزندان عالم‌اند. حضرت سختی‌های فرزند آوری و دوران حمل را متحمل شد، سختی بزرگ کردن این فرزندان را به دوش کشید باآنکه فرزند رسول خدا بود و اشرف زنان عالم لقب داشت.**

**ازدواج حضرت سلام‌الله‌علیها در سال دوم هجری رخ داد. برخی در ماه رمضان و برخی در ذی‌الحجه و برخی در رجب گفته‌اند. مسعودی در مروج الذهب تاریخ ازدواج علی با فاطمه سلام‌الله‌علیها را سال دوم هجرت دانسته و مشهورترین قول دراین‌باره اوّل ذی الحجة سال دوم هجرت است.**

**حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها در سال پنجم بعثت به دنیا آمد و شش‌ساله بود که مادرش حضرت خدیجه سلام‌الله‌علیها را از دست داد. آن حضرت در سال دوم هجرت با علی علیه‌السلام ازدواج کرد. بنابراین سن حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها هنگام ازدواج با علی علیه‌السلام حدود ده سال بوده است حضرت علی علیه‌السلام در سیزده رجب سال 30 عام‌الفیل متولد شد. ده‌ساله بود که پیامبر در چهل‌سالگی به پیامبری مبعوث شد و سیزده سال همراه پیامبر در مکه و شعب ابی‌طالب به سر برد و دو سال بعد از هجرت با فاطمه سلام‌الله‌علیها ازدواج کرد، بنابراین 25 ساله بود.**

**بی‌شک هیچ زندگی در عالم، ثمره‌اش پربارتر و گران‌بهاتر از زندگی این دو بزرگوار نیست. ثمره این زندگی درخت امامت است. امیرالمؤمنین و حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها صاحب سه پسر و دو دختر شدند. فرزندان این دو بزرگوار عبارت‌اند از: امام حسن علیه‌السلام دومین امام شیعیان که در سال سوم هجرت به دنیا آمدند. امام حسین علیه‌السلام سومین امام شیعیان که در سال چهارم هجرت به دنیا آمدند. حضرت زینب سلام‌الله‌علیها که در سال پنجم هجری به دنیا آمدند. و حضرت ام‌کلثوم سلام‌الله‌علیها که در سال ششم هجری پا به عرصه گیتی نهاد.[[15]](#footnote-15)**

**حضرت محسن علیه‌السلام نیز اولین شهید راه ولایت که بر دلیل ضربه که به حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها وارد شد، ایشان در شکم مادرشان سقط شدند و به شهادت رسیدند.**

**بسیاری از بانوان جامعه ما به دلیل سختی فرزند آوری و تربیت، عطای این اجر عظیم را به لقای زحمت و دردان می‌بخشند و حال‌آنکه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها با حداقل فاصله ممکن فرزندانی را تربیت نمود که سرآمد و فخر و شرف عالم شدند.**

**حال که بحث بدین جا رسید خوب است نکاتی پیرامون جایگاه فرزند آوری در روایات دینی بپردازیم:**

### فرزند آوری در آموزه‌های دینی

**آموزه‌های اسلامی، ایجاد جامعه توحیدی و گسترش آن را هدفی بزرگ برمی‌شمرد و فرزند آوری و افزایش نسل صالح را شاهراه تحقق آن معرفی کرده، از فرزند به‌عنوان «ولیّ» یاد می‌کند. در قرآن کریم درباره فرزند، بحث استثناییِ حضرت زکریا علیه‌السلام آمده است که به پروردگارش عرضه داشت: «قالَ رَبِّ إِنِّی وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّی وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَیباً وَ لَمْ أَکُنْ بِدُعائِکَ رَبِّ شَقِیا وَ إِنِّی خِفْتُ الْمَوالِی مِنْ وَرائی وَ کانَتِ امْرَأَتی عاقِراً فَهَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیا یرِثُنی وَ یرِثُ مِنْ آلِ یعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِیا؛[[16]](#footnote-16) گفت: پروردگارا! همانا استخوان از (بدن) من سست شده و (موی) سر هم از (سپیدی) پیری می‌درخشد و هرگز در دعایم از تو - ای پروردگارم - محروم نبوده‌ام و من از عموزادگانم پس از خویش بیم دارم (که جانشینانی بد باشند) و همسرم از ابتدا نازا بوده، پس مرا از جانب خویش جانشینی ارث‌بَر عطا کن که از من و اولاد یعقوب ارث ببرد! و ای پروردگار من، او را (ازنظر کمالات معنوی) پسندیده قرار ده.»**

### فرزندان؛ عامل تداوم مهر و محبت

**وجود فرزند یکی از عواملی است که موجب حفظ کانون خانواده و تداوم زندگی مشترک می‌گردد؛ چراکه فرزندان، سِپَر حمایتی را در برابر طلاق والدین فراهم می‌کنند.**

**مطالعات نشان می‌دهد که طلاق در بین خانواده‌های بدونِ فرزند، بیش‌تر است.[[17]](#footnote-17) فرزندان نشانگر نوعی سرمایه‌گذاری اجتماعی - عاطفی در خانواده می‌باشند که وجود آن‌ها موجب تحکیم روابط زناشویی می‌شود. با عدم یا کمبود این نوع سرمایه‌گذاری، امکان بروز و رشد طلاق در جامعه افزایش می‌یابد. علاوه بر این، همچنان که ازدواج، دو شخص را به هم پیوند می‌دهد و آن‌ها را در اجتماعی به نام خانواده ادغام می‌کند، فرزند نیز به‌مثابه موادی است که مابین آن‌ها ساختمان خانواده را مستحکم‌تر می‌کند.**

**هنر بزرگ زن و میزان شخصیت او را می‌توان از چگونگی بچه‌داری او تشخیص داد؛ چراکه سلامت روحی و جسمی فرزند، درگرو بچه‌داری درست مادر است. شرایط جسمی و روحی افراد و اینکه آنان دراین‌باره در چه وضعیتی می‌باشند، نموداری است که اندازه تلاش، زحمت، دلسوزی، فرهنگ و اندیشه مادر را آشکار می‌سازد.**

**در حقیقت، خوشبختی واقعی مادران در پرورش فرزندانی سالم و صالح می‌باشد. و پرواضح است که رساندن فرزندان به چنین فرجامی، کاری دشوار و طاقت‌فرسا است که تنها زن می‌تواند از عهده آن برآید. به تعبیر مقام معظم رهبری: «بعضی از کارهای خانه خیلی سخت است. شما هر کاری را در نظر بگیرید که خیلی دشوار باشد، در مقابل بچه‌داری درواقع آسان است. بچه‌داری هنر خیلی بزرگی است. مردها یک روز هم نمی‌توانند این کار را انجام دهند. زن‌ها با دقت، باحوصله و باظرافت این کار بزرگ را انجام می‌دهند. خدای متعال در غریزه آن‌ها این توان را قرار داده است.»**

**عواملی که داشتن فرزند را با کاهش طلاق به هم مرتبط می‌کند عبارت‌اند از:**

**1. مادر و پدر، خود را مسئول رفاه و آسایش فرزندان می‌دانند، لذا با پذیرش تداوم رابطه ناخوشایند زناشویی، از به خطر افتادن و کاهش رفاه و آسایش فرزندان، دوری می‌کنند در حالی که روزی دست خداست.[[18]](#footnote-18) که خداوند فرمود: وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا؛ هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل مرسانید (زنده به گور مکنید) که ما رازق آنها و شما هستیم، زیرا این قتل فرزندان بسیار گناه بزرگی است.**

**2. سرپرستی و نگهداری فرزندان از جنبه‌های مختلف برای هر یک از والدین به‌تنهایی سخت و طاقت‌فرسا است و حال آنکه خدا ولی و سرپرست مومنان است: «بَلِ‌ اللَّهُ‌ مَوْلاَکُمْ‌ وَ هُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ‌[[19]](#footnote-19)»**

**3. زوج‌هایی که فرزند ندارند و تصمیم به فرزند دار شدن نیز نمی‌گیرند، نسبت به تداوم رابطه زناشویی خود مطمئن نیستند، درحالی‌که وجود فرزند و افزایش تعداد آن، احتمال وقوع طلاق و جدایی والدین را کاهش می‌دهد؛ زیرا نبود یا کم بودن تعداد فرزندان در خانواده‌ها، تعلّق و دل‌بستگی روابط زناشویی را کمرنگ می‌کند.**

## رضایتمندی از زندگی

**وضعیت زندگی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها این‌گونه سخت بود، سختی‌ها از ابعاد مختلف دنیوی آن وجود داشت اما کانون خانواده همواره گرم و مهر و محبت و ایثار موج می‌زد و این مرهون رضایتمندی از زندگی است.**

**امیرالمؤمنین علیه‌السلام در وصف زندگی‌شان با حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها می فرمانید: به خدای سوگند که در همه عمر زندگی مشترک، هرگز به فاطمه سلام‌الله‌علیها خشم نگرفته و هرگز او را به کاری وادار نساختم... . و او نیز به من هرگز خشم نگرفت و در هیچ کاری مرا نافرمانی نکرد. او به‌گونه‌ای بود که هرگاه به او می‌نگریستم غم‌ها و اندوه‌هایم زدوده می‌شد.[[20]](#footnote-20)**

**علی علیه‌السلام که اسوه صبر و استقامت است اما در شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها تأثر و تألم خود را اظهار می‌دارد تا آنجا که بعد از دفن همسر گرامی‌اش درحالی‌که حزن و اندوه تمام وجود او را فراگرفته بود خطاب به قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌آله عرضه داشت:**

**«خدا چنین خواست که او زودتر از دیگران به رسول خدا بپیوندد، پس از او شکیبایی من به پایان رسیده و خویشتن‌داری ازدست‌رفته، اما آن‌چنان‌که در جدایی تو صبر کردم در مرگ دخترت نیز جز صبر چاره‌ای ندارم، شکیبایی بر من سخت است. پس از او آسمان و زمین در نظرم زشت می‌نماید و هیچ‌گاه اندوه دلم نمی‌گشاید. چشمم بی‌خواب و دل از سوز غم سوزان است. تا خداوند مرا در جوار تو ساکن کند. مرگ زهرا ضربه‌ای بود که دل را خسته و غصه‌ام را پیوسته کرد و چه زود جمع ما را به پریشانی کشانید... اگر بیم چیرگی ستمکاران نبود، برای همیشه اینجا [کنار قبر زهرا علیهاالسلام می‌ماندم و در این مصیبت بزرگ چون مادر فرزند مرده، اشک از دیدگانم می‌راندم.»[[21]](#footnote-21)**

**گریز**

**همه سختی‌های زندگی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها یک‌طرف، مصائب 75 یا 95 روز آخر یک‌طرف. همه غم عالم در آن روزها بر زهرای مرضیه فرود آمد، داغ از دست دادن پدر، غم شکستن شکوه امیرالمؤمنین و درخطر افتادن دین پیامبر، در کنار همه این هتک حرمت‌ها و تعرض‌ها به بیت اهل‌بیت علیهم‌السلام، دردهای جسمی ناشی از ضرب و شتم حضرت و سقط محسن شش‌ماهه حضرت، وجود داشت که حضرت را از بین برد.**

**در این ایام برای محسن بن علی علیهماالسلام ناله و نوحه می‌کنیم، درحالی‌که در عمل خودمان محسن بن علی‌ها را به قتل می‌رسانیم. سنت زشت کم کردن جمعیت با سقط‌جنین عملاً پیروی از رفتار همان کسانی است که با کشتن محسن بن علی یک‌سوم از سادات بنی فاطمه علیهاالسلام را کم کردند. این جماعت امروز می‌خواهند باکم کردن از شیعیان و پیروان فاطمه سلام‌الله علیها، به قوت گرفتن دشمن کمک کنند. پیامبر صلی‌الله‌علیه واله فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُکمْ عَلَیهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی[[22]](#footnote-22)» از مردم محبت اهل‌بیت را خواست ولی مردم در جبران رسالت پیامبر، درب خانه دخترش را به آتش کشیدند و محسن بن علی سقط شد. همان پیامبر از ما کثرت جمعیت خواست و فرمود: «تَنَاکحُوا تَنَاسَلُوا تَکثُرُوا فَإِنِّی أُبَاهِی بِکمُ اَلْأُمَمَ یوْمَ اَلْقِیامَةِ؛ [[23]](#footnote-23) مبادا ماهم در پاسخ به پیامبر، با شعار طاغوتی «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و با آمار روزانه بیش از 1000 سقط امت او را به قتل رسانیم. آیا در این رفتار مطیع پیامبر هستیم یا تابع دشمنانش؟ مبادا در سخن شیعه اهل‌بیت باشیم و در عمل باکم کردن جمعیت شیعیان، در زمره دشمنان اهل‌بیت باشیم.**

**روضه**

**امشب شب روضه عموی نشکفته سادات حضرت محسن ابن علی است یابن الحسن، آقای ما، مولای ما!! شما که جریان به آتش کشیدن خانه جدتان امیر المومنین جلوی چشمتان است و مطمئناً این ماجرای دردناک را دیدید برای ما روضه‌خوان باشید، آقاجان معذرت می‌خواهم که این‌گونه سخن می‌گویم:**

**آن فرقه که زهرای جوان را کشتند ناموس خدای مهربان را کشتند**

**با کشتن محسن پسرش یک‌سوم سادات جهان را کشتند**

**در کتاب ارشاد القلوب نقل‌شده است که فاطمه فرمود:" هیزم بسیار به در خانه ما آوردند تا خانه و اهلش را بسوزانند من پشت در ایستاده بودم و آن قوم مهاجم را به خدا و رسولش سوگند می‌دادم که دست از ما بردارند و ما را یاری نمایند، عُمر تازیانه را از دست قنفذ غلام آزاد شده ابوبکر گرفت و با آن بر بازویم زد و اثر آن چون رگه‌های بازوبند در بازویم باقی ماند آنگاه لگد به در زد و در را به طرف من فشارداد در این هنگام به صورت بر زمین افتادم در حالیکه فرزندی در رحم داشتم، آتش زبانه می‌کشید و صورتم را می‌سوزاند او با دستش مرا می‌زد گوشواره‌ام قطع و پراکنده شد، درد مخاض مرا فرا گرفت، محسنم بیگناه سقط و کشته شد." اما اگر اینجا در خانه امیر المومنین را این بی حیاها به آتش نمی‌کشیدند کربلا کسی جرات نمی‌کرد خیمه‌های اهل بیت امام حسین را به آتش بکشد.**

**بابا ببین که مادر، خورده زمین پشت در پاشیده روی دیوار، خون از پهلوی مادر**

**صدای آه مادر، میون آتش و دوده گمون کنم برای، پهلو شکستنش بوده**

**یه عمره تو مدینه، بابا خونه نشینی آخه مادر چرا گفت، یا فضه خذینی**

**اینجوری که میخ توی، پهلوی مادر خورده گمون کنم که بابا، دیگه داداشم مرده**

**زینب دلش میسوزه، بابا اشکات رو پاک کن دور از چشای مادر، داداش محسن رو خاک کن**

1. **.علامه سید محمدحسین طباطبایی، مجموعه مفاخر ایران زمین، جلد 9، مرکز آموزش سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران، چ اول 1385** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. قرب الإسناد، ص 25 و بحارالانوار، ج 43، ص 81.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. بحارالانوار، ج 43، صص 84 و 85 و 134؛ کنز العمال، ج 15، ص 507، مسند احمد بن حنیل ج 6، ص 298** [↑](#footnote-ref-3)
4. **.  مسند احمد بن حنبل، ج 3، ص 150؛ بحار الانوار، ج 43، ص 76.** [↑](#footnote-ref-4)
5. **. کتاب سلیم بن قیس، ص 868، ح 48.** [↑](#footnote-ref-5)
6. . رحمانی همدانی/ فاطمه الزهرا بهجه قلب مصطفی/ ص 578/ به نقل از مجمع الروایه [↑](#footnote-ref-6)
7. . نهج البلاغه خطبه 226 [↑](#footnote-ref-7)
8. . سبل الهدی و الرشاد، ج 12، ص 251 [↑](#footnote-ref-8)
9. . بحارالانوار، جلد ۴۳، ص ۳۵ [↑](#footnote-ref-9)
10. . ریحانهٔ النبی صفحه 109 - فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل پیامبر، ص:627 - زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام / ترجمه إعلام الوری، متن، ص: 103 [↑](#footnote-ref-10)
11. . فاطمه زهرا سلام الله علیها از ولادت تا شهادت، محمدکاظم قزوینی؛ ص 168 [↑](#footnote-ref-11)
12. . ذخائر العقبی، ص 47 [↑](#footnote-ref-12)
13. . واقدی، المغازی، ج 2، نشر دانش اسلامی، ص 83 [↑](#footnote-ref-13)
14. . زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد 43 بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: 565 و 566 [↑](#footnote-ref-14)
15. . ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۴۱۳ق، ج۳، ص۵۰۰؛ دخیل، اعلام النساء، ۱۴۱۲ق، ص۲۳۸ [↑](#footnote-ref-15)
16. . مریم/ 4 - 6. [↑](#footnote-ref-16)
17. **. بنگرید به مقاله «بازدارنده‌ها و تسهیل کننده‌های اقتصادی، اجتماعی طلاق»، دکتر محمد قدسی، دکتر اسماعیل بلالی و دکتر سعید عیسی‌زاده، نشریه جامعه شناسی و علوم اجتماعی، مطالعات راهبردی زنان، پاییز 1390 ش، شماره 53.** [↑](#footnote-ref-17)
18. . إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِینُ؛ ذاریات، آیه ۵۸. [↑](#footnote-ref-18)
19. . آل عمران / 150 [↑](#footnote-ref-19)
20. . بحارالانوار، ج 43 [↑](#footnote-ref-20)
21. . اصول کافی/ ج 1/ ص 159. [↑](#footnote-ref-21)
22. سوره شوری – آیه 23 [↑](#footnote-ref-22)
23. جامع الأخبار، جلد 1، صفحه 101 [↑](#footnote-ref-23)